



پشت پرده مواضع ضدایرانی مقامات عربستان سعودی

بن سلمان با تجربه اندک سیاسی خود از سرنوشت راهی که انتخاب کرده خبر ندارد و همین مسئله می تواند باعث برخی اقدامات ماجراجویانه از سوی وی شود.

به گزارش آران نیوز: از زمانی که سلمان بن عبدالعزيز بر تخت پادشاهی عربستان تکیه زد، ساختار پادشاهی این کشور وارد فاز تغییرات سریع و گسترده شده است. از همان ابتدای پادشاهی ملک سلمان، محمد بن سلمان پسر وی سودای رسیدن به قدرت را داشت و تمامی اقدامات خود را با این هدف دنبال داده است. وی در چندین مرحله مخالفان را دستگیر و برکنار کرد و در خرداد ماه با برکناری محمد بن نایف، خود به عنوان ولیعهد سعودی معرفی شد. اما این پایان کار شاهزاده ماجراجو نبود و وی اخیرا با بزرگترین دستگیری نیم قرن اخیر عربستان، 11 شاهزاده و ده ها مقام سیاسی عربستان را دستگیر کرده است. برخی رسانه ها اعلام کرده اند شمار بازداشتی ها 500 نفر است. ولید بن طلال، ثروتمندترین شاهزاده سعودی و متعب بن عبدالله، رئیس گارد ملی عربستان، از مهم ترین قربانیان این موج از باداشت ها بودند.

بن سلمان همزمان با این دستگیری های اخیر و همچنین برخی اصلاحات اجتماعی، روز به روز بر حجم حملات خود علیه ایران می افزاید و حتی حمله موشکی انصارالله یمن به ریاض را نیز به ایران نسبت داده است. کارشناسان این نوع واکنش بن سلمان را بسیار خطرناک می دانند و با توجه به تجربه اندک وی در عرصه منطقه احتمال اقدامی ناشیانه از سوی وی را بعید نمی دانند. با این اوصاف عربستان به دنبال چیست؟

جبران شکست در صحنه های مختلف

عربستان در عرصه منطقه ای شکست های سختی متحمل شده است. این کشور عامل اصلی شکست های خود را نیز ایران و محور مقاومت می داند. در سوریه و عراق این کشور موفق به تحقق اهداف خود نشد و حتی در فتنه کردستان عراق نیز عربستان به دنبال آن بود که همگام با اسرائیل به مرزهای ایران برسد، اما شکست این فتنه، برنامه های صهیونیست ها و آل سعود را به هم زد. در یمن نیز که اوج شکست سیاست های عربستان است، ریاض سعی دارد به نوعی جنگ یمن را یک جنگ بین ریاض و تهران معرفی کند. چرا که یمن فقیرترین کشور عربی است که در سه سال گذشته تحت شدیدترین محاصره ها قرار داشته و برای عربستان بسیار سنگین است که شکست در جنگ یمن، شکست از مردم فقیر یک کشور معرفی شود، بنابراین سعی دارد ایران را به عنوان عامل اصلی حملات انصارالله به شهرهای عربستان معرفی کند تا به این ترتیب سطح بحران را منطقه ای معرفی کند و حقارت ناشی از عدم موفقیت در جنگ یمن را کاهش دهد. به همین دلیل بیشترین هجمه ها از سوی عربستان علیه ایران در روزهای اخیر صورت گرفته است.

انتقال بحران به لبنان

عربستان سال گذشته موفق نشد گزینه مورد نظر خود را به ریاست جمهوری لبنان برساند و از این رو در برابر حزب الله لبنان شکست سختی خورد، بنابراین اخیرا با فشار بر سعد الحریری نخست وزیر لبنان و حصر خانگی، وی را مجبور به استعفا کرد. هدف عربستان در این مسئله نیز دقیقا ایران بود و در این جا ایران را به عنوان کشور مداخله گر در امور لبنان معرفی کرد. بنابراین دلیل اول عربستان از هجمه های اخیر علیه ایران، تلاش برای جبران شکست های میدانی این بار در عرصه رسانه ای و سیاسی است.

از سوی دیگر عربستان طی 7 سال گذشته سرمایه گذاری زیادی برای سقوط بشار اسد انجام داد، اما در این مورد متحمل شکست سختی شد. اکنون سعی دارد لبنان را به عنوان محل مداخله خود انتخاب کند و استعفای حریری تحت فشار عربستان نشان داد که ریاض در تلاش برای کاهش قدرت حزب الله است.

در این جهت حزب الله لبنان با صدور بیانیه ای اعلام کرد: دولت عربستان به دنبال غرق کردن لبنان در فتنه و آشوب است. در ادامه بیانیه حزب الله آمده است: دولت عربستان می خواهد جایگاه و نقش مقاومت لبنان را تغییر دهد. از سوی دیگر رسانه های غربی معتقدند که استعفای الحریری در چارچوب نقشه سعودی-آمریکایی برای هدف قرار دادن حزب الله، بازوی نظامی قوی ایران صورت می گیرد. از همین رو عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی در مواضعی علیه حزب الله مدعی شد حزب الله دولت لبنان را به گروگان گرفته و مانع از انجام تمامی اقدام های سعد الحریری، نخست وزیر مستعفی این کشور شده و مهم تر از همه حاضر به تحویل اسلحه خود نیست که در تعارض با حاکمیت نهادهای رسمی در این کشور است. بنابراین کاملا مشخص است که عربستان سعی دارد بحرانی که در سوریه رو به اتمام است را به داخل لبنان کشاند تا بدین ترتیب حزب الله را درگیر یک نبرد داخلی کند و از سوی دیگر ایران را وادار به واکنش کرده و متقابلا زمینه برای موضع گیری بین المللی علیه ایران را فراهم سازد.

این یک برنامه درگیرسازی جدید ایران در منطقه است که با هدایت آمریکا و بازی عربستان و مهره های صهیونیستی دنبال می شود. از همین رو رسانه های غربی در واکنش به استعفای سعد الحریری، نخست وزیر لبنان اعلام کردند که کناره گیری وی تکمیل کننده نشست اخیر ریاض، پایتخت عربستان است. ترامپ در نشست آمریکایی-اسلامی یا نشست ریاض که با مشارکت ده ها کشور برگزار شد، بر ضرورت منزوی کردن ایران و مقابله با محور ایران تأکید کرد. این نشست در ادعاهایی، ایران را به

عنوان عامل اصلی ثبات زدایی در منطقه و حامی اصلی تروریسم معرفی کرد. بنابراین می توان گفت که اظهارات اخیر ریاض علیه ایران به نوعی در تکمیل پازل ترامپ صورت می گیرد.

پایان سخن

با توجه به آنچه گفته شد اکنون رسانه های منطقه به گونه ای وانمود می کنند که احتمال حمله نظامی به ایران یا متحدان ایران وجود دارد، در صورتی که این مسئله با واقعیت های میدانی سازگاری ندارد. روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونوت» با اشاره به حمله چند ماه پیش ایران به مقر داعش در دیرالزور (خردادماه 96) نوشت: وقتی ایران موشک های زمین به زمین از این فاصله شلیک می کند، جایگاه یک قدرت بزرگ نظامی در سطح منطقه و حتی در سطح جهان برای خود به تصویر می کشد. به نوشته این روزنامه عبری زبان، حمله موشکی ایران علاوه بر ضربه زدن به داعش، باعث تقویت متحدان می شود. اصل این کار یعنی وارد کردن ضربه دقیق با موشک از فاصله 600 تا 700 کیلومتری یک عرض اندام و قدرت نمایی برای ایران به شمار می آید و هیبت و قدرت بازدارندگی در سطح یک ابرقدرت به ایران می دهد، چرا که تاکنون فقط ایالات متحده و روسیه موشک های دوربرد در این سطح در جنگ های خاورمیانه شلیک کرده اند.

در همین جهت پایگاه آمریکایی هیل (Thehill) متعلق به کنگره آمریکا نیز در گزارشی ضمن اعتراف به شکست ناپذیری ایران، خواهان تمرکز بر طرح هایی نظیر تغییر حاکمیت در ایران شده است. هیل همانند بسیاری از جریانات سیاسی در آمریکا معتقد است سطح توانایی ایران در حوزه های مختلف، به ویژه در حوزه دفاعی و نظامی به مرحله ای رسیده است که نمی توان با آن مقابله کرد و تهدید نظامی و حتی فشارهای اقتصادی در قالب تحریم، قدرت تأثیرگذاری خود را از دست داده و برای تسلیم کردن کشورمان باید به تقویت جریان هواخواه غرب در داخل کشور متوسل شوند.

اکنون شواهد زیادی از رسانه های غربی و دستگاه های اطلاعاتی وجود دارد که اعتراف می کنند نمی توان از طریق برخورد نظامی و یا مقابله سخت ایران را مهار کرد، بنابراین اظهارات اخیر مقامات عربستان علیه ایران و متحدان تهران، بیشتر در راستای ماموریتی است که در خردادماه ترامپ در سفرش به ریاض برعهده بن سلمان گذاشت. ماموریت بن سلمان این است که با ایجاد نوعی جنگ روانی ایران را وارد فضایی از تنش های روانی در منطقه کند و با افزایش اتهامات علیه ایران، کشورهای غرب و به ویژه اروپا را به سمت افزایش فشارها علیه ایران و از جمله مطرح کردن برجام منطقه ای و موشکی سوق دهد. به نظر می رسد سران سعودی معتقدند با بالاگرفتن فشارهای آمریکا علیه ایران بعد از تصویب تحریم مادر در هفته های اخیر، باید فشارها علیه ایران را افزایش داد و در وضعیت تردید اروپا نسبت به ایران، با باج دادن به مقامات اروپایی آنان را در جهت فشار بیشتر به ایران مجهز کرد. از این رو معتقدیم که اروپا در آزمون سختی قرار دارد و باید مراقب باشد که تعهدات بین المللی خود را به دلارهای نفتی نفروشد.

از سوی دیگر بن سلمان با تشدید حملات به ایران به دنبال سرپوش گذاشتن بر کودتای اخیر خود و سرکوب مخالفان است. بن سلمان ولیعهدی خود را مدیون حمایت ترامپ است و این مسئله بهای سنگینی برای وی خواهد داشت. در انتها باید تاکید کرد که دستگاه دیپلماسی ایران باید ضمن پاسخ شایسته و بایسته به اظهارات مقامات سعودی، به نوعی بحران احتمالی را مدیریت کند، چرا که بن سلمان با تجربه اندک سیاسی خود از سرنوشت راهی که انتخاب کرده خبر ندارد و همین مسئله می تواند باعث برخی اقدامات ماجراجویانه از سوی وی شود. البته وی شکست در جنگ یمن را به عنوان یک تجربه زنده در مقابل چشمانش دارد، اما وی مجری نقشه های واشنگتن و تل آویو است و به همین دلیل مدیریت بحران از سوی ایران باید صورت گیرد.

منبع: فارس